

## تشدید بحران در اردوی اصلاح طلبان

### و تلاش نظریه پردازان وابسته باین اردو برای کنترل بحران!

فروکش و نزول فتیله اصلاح طلبان دولتی، و ادعاهای پرطمقراق تاکنونی آنان بویژه پس از کابینه ائتلافی دوره ریاست جمهوری اسلامی، دیگر قابل کتمان نیست. و همین روند-یعنی روند دور شدن شتابان افکار و باور عمومی از کائتات مورد حمایت آنان، آنان را به تلاشی سخت برای حفظ موقعیت روبا فلول نظام مورد نظر خویش واداشته است. تشکیل اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت- که تشدت و بحران حاکم بر آن خودنمادگویی از بحران افول این جریان دولتی مدتی اصلاح طلبی است- فرصتی برای این نظریه پردازان و باورمندان به امکان پذیری اصلاح نظام حاکم، فراهم ساخته است، تا تمامی توان و نیروی خویش را برای دفاع از ادعاهای ببادرفته خود بکار گیرند. اما آشفتگی نظری و طرح بحث های شعاری و منطق سست و بی رمق این نظریه پردازان، که حتی ناتوان از اقناع مخاطبین خود می باشند، چنان است که خود نمونه گویای دیگری از همین بحران افول را به نمایش میگذارد.

سعید حجاریان یکی از این نظریه پردازانی است که تمامی تلاش خویش را برای نجات این بیمار مشرف به مرگ به کارگرفته است: اگر بتوان سخنان و مصاحبه های اخیر او را در یک کلمه خلاصه کرد آن کلمه عبارت است از صبر! ولو آنکه صدسال و بیشتر از آن باشد. او با شیبه های سستی تاریخی و با استناد به طولانی بودن دوره های انتقالی از نظام های قرون وسطایی و فئودالی به نظام های کنونی درکشورهای غرب، برآنست تا همان سناریو(دوران های طولانی انتقال های تاریخی) را برای مردمی که قصد عبور از نظام جمهوری اسلامی را دارند، بازنویسی کند. و درهمین راستا، او برای سنگ اندازی و ممانعت از شکل گیری جنبش براندازی نظام حاکم، با پیش کشیدن تصویر شبح پناپارتیسم و اخیرا درهمین اردوی تحکیم وحدت شبح خمرهای سرخ، تمامی تلاش خویش را برای بیرون کشیدن نظام از زیر ضرب مردم به تنگ آمده بکار گرفته است. او چنان از پناپارتیسم و خمرهای سرخ سخن میگوید که گویا آنچه که در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و می افتد، و از جمله در همین روزها درمیادین شهرهای بزرگ و کوچک از طریق شلاق زنی و آویزن کردن اجساد و نیز با کوچکترین بهانه دستگیری های پی درپی مخالفین، چیزی کمتر از جنایات پول پوت و طالبانیسم است! و البته باید گفت دیدن جنگل از پشت درختان برای کسی که خود یکی از تحکیم کنندگان پایه نظام جمهوری اسلامی است و لاجرم از جایگاه دفاع و حفظ نظام به کائتات می نگرد، امری غریب نیست و جزاین هم انتظاری از چنین کسی نمیتوان داشت. اما از دید جنبش دانشجویی که او قصد دست آموز کردن آنها دارد، و سعی میکند که اینکار را با توصیه به فاصله گرفتن آنان از سیاست به مرحله اجرا درآورد، و نیز از دید همان مردمی که اوسعی میکند بزعم خویش با خام کردن نخبگان، آنها را نیز خام کند، سیمای موجود جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر است: از نوع همان موجودات نفرت انگیزی است که او سعی میکند مردم را از شبح آنها بترساند تا از مار غاشیه به افعی پنهانده آورند. اما باید ازاین اقایان پرسید اگر آویزان کردن اجساد درخیابانها و به وانت بستن جوانان برای اجرای شلاق اسلامی، اگر از نوع جنایات پولپوتیسم نیست پس چیست؟

اما واقعیت آنست که مردم و جنبش دانشجویی بدور از منظر و عینک اقایان حجاریان و جلالی پور و امثال آنها که برخلاف روندهای عینی وعده میدهند و حکم صادر میکنند که گویا جنبش اصلاحی تمامی ساختارهای متصلب را نرم خواهد ساخت، پس صبر پیشه کنید و ازسیاست دوری گزینید، بخوبی نقش این روشنفکران را در حفظ نظام زیر ضرب قرار گرفته که علوی تبار یکی دیگر از همین نظریه پردازان، دفاع از آنها بصراحت درهمین اردوی دفتر تحکیم وحدت یادآوری میکند، دریافته و بهمین دلیل وقعی باین یافته ها و بافته های اقایان نظریه پرداز نمی نهند. تعمیق بحران در اردوی دفتر تحکیم وحدت و آنچه که در مقابل چشمان همین نظریه پردازان میگذرد، تنها یک نمونه گویا و کوچکی از این واقعیت سترگ است. تحولاتی که دربیرون از این تشکلهای رسمی و آنچه که دراعماق میگذرد جای خود دارد.